



**Studies on Israel - US**  
Vol 24. No 2. Summer 2023  
Received date: 2023.04.10  
Acceptance date: 2023.05.21



مرکز پژوهش‌های علمی و  
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: [www.cmess.sinaweb.net](http://www.cmess.sinaweb.net)

## Sources of strategic policy making in the United States of America

Rahbar Taleihur<sup>1</sup>



### Abstract

During the past half century, the United States of America, despite the ups and downs and special events that happened in the international system, has maintained its supremacy as a superior power. The diplomacy and foreign policy of that country can be effective. The planning and implementation of foreign policy in any country is the responsibility of individuals and groups that we are bound to recognize in analyzing the foreign policy of that country. After the Second World War, the United States of America, as the superior power in the international system, influenced by its political, economic and military capabilities, has the most extensive and active foreign policy among the countries of the world, and has an active presence in most parts of the world, directly or indirectly. and this wide presence required a strong diplomatic and foreign policy apparatus, and in this article, an attempt was made to examine the elements and sources that played an effective role in the formation of such a foreign policy.

**Keywords:** USA, Foreign Policy, Official Institutions, Informal Institutions.

<sup>1</sup> Member of the faculty of Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و  
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

دوره ۲۴، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۳۱

Home page: [www.cmess.sinaweb.net](http://www.cmess.sinaweb.net)

نوع مقاله: علمی

## منابع سیاست‌گذاری استراتژیک در ایالات متحده آمریکا

رهبر طالعی حورا<sup>۱</sup>



چکیده

در طول نیم قرن گذشته ایالات متحده آمریکا با وجود فراز و نشیب‌ها و رخداد‌های خاص حادث شده در نظام بین‌الملل، برتری خود را به‌عنوان یک قدرت برتر حفظ نموده که در فهم صحیح برتری آمریکا، علاوه بر مدنظر قرار دادن توانایی آن، شناخت رویه‌های حاکم بر دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی آن کشور می‌تواند موثر باشد. طرح‌ریزی و اجرای سیاست خارجی در هر کشوری بر عهده افراد و گروه‌هایی است که در تجزیه و تحلیل سیاست‌گذاری خارجی آن کشور ناگزیر به شناخت آن افراد و گروه‌ها هستیم. ایالات متحده آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم به‌عنوان قدرت برتر در نظام بین‌المللی متأثر از توانایی‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی، گسترده‌ترین و فعال‌ترین سیاست خارجی را در بین کشورهای دنیا دارا بوده و در بیشتر نقاط جهان به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم حضوری فعال داشته است و این حضور گسترده مستلزم یک دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی قوی بوده که در این نوشتار تلاش شده تا عناصر و منابعی که در شکل‌گیری چنین سیاست خارجی نقش موثری داشته‌اند مورد بررسی قرار گیرند.

واژگان کلیدی: ایالات متحده آمریکا، سیاست خارجی، نهادهای رسمی، نهادهای غیررسمی.

## مقدمه

تصمیم‌سازی در عرصه سیاست خارجی روندی پیچیده بوده و در هر کشوری متأثر از عوامل مختلفی همچون نوع نظام، فرهنگ سیاسی، قدرت، نفوذ و... است که از لحاظ نظری می‌توان روند سیاست‌گذاری خارجی را به‌عنوان واسطه‌ای دانست که درون نهادهای سیاست خارجی (منابع) را به برون‌نهادهای تبدیل می‌کند و زمانی که تبدیل درون‌نهاده به برون‌نهاده صورت می‌گیرد اقدام خارجی، یعنی بخش عملی و ملموس سیاست خارجی آغاز می‌گردد، عملی که می‌تواند خود را به اشکال گوناگونی از جمله اعلام جنگ، مشارکت در تحریم بر علیه یک کشور، اعطای کمک‌های خارجی و... نشان دهد. نقش درون‌داده‌ها در سیاست خارجی نقش بسیار مهم و حیاتی است که به زنجیره‌ای متصل از عوامل مختلف بستگی دارد.

رفتار کشورها در صحنه روابط بین‌الملل متأثر از برداشت و ادراک آنها از منافع و اهدافی است که تعقیب می‌کنند. تعبیر اندیشمندان و محققان از یک‌سو و سیاست‌مداران و زمامداران از سوی دیگر از ماهیت و خصوصیات منافع ملی یکسان نیست و به همین دلیل تعریفی هماهنگ و مورد قبول برای این عامل و انگیزه مهم روابط بین‌الملل وجود ندارد تا زمانی که در قرن بیستم، جنگ جهانی این حقیقت را آشکار نکرده بود که عموم مردم، هم منافع حیاتی در امور خارجی دارند و هم می‌توانند در آن نقشی قاطع ایفا کنند. تحلیلگران به این مفهوم به‌عنوان ابزاری که بتواند توصیف، توضیح و ارزیابی‌کننده سیاست‌گذاری‌های خارجی باشند، نمی‌نگریستند؛ بردا یکی از افرادی است که این مفهوم را به این معنا به کار برد و تمایز آن را از مفهوم «منافع عمومی» که به طور سنتی به‌عنوان مرجع سیاست‌گذاری‌های داخلی ملت‌ها به کار می‌رفت، آشکار ساخت. پس مهم‌ترین مفهومی که در سیاست‌گذاری دولت‌ها مورد توجه است منافع ملی است که هدایت‌کننده اصلی و چراغ راهنمای سیاست خارجی کشورها محسوب گردد.

محیط خارجی متأثر از نظام سیاسی و اقتصاد متحول بین‌المللی، منابع اجتماعی ناشی از ارزش‌ها، باورها، فرهنگ سیاسی کشورها، منابع حکومتی، نقش‌های سیاست‌گذاران و خصوصیات فردی نخبگان از مهم‌ترین متغیرهایی هستند که بر سیاست خارجی کشورها تأثیرگذار بوده‌اند و شکل‌گیری سیاست خارجی موفق یک کشور در عرصه بین‌الملل حاصل تعامل مثبت نهادهای تأثیرگذار آن کشور با یکدیگر

در عرصه داخلی است. معمولاً اجزا و عناصر تاثیرگذار در شکل‌گیری سیاست خارجی یک نظام شامل عناصر ملموس (مانند قانون اساسی) و غیرملموس (مانند فرهنگ) و همچنین در تقسیم‌بندی کلی دیگر شامل نهادهای رسمی و غیررسمی می‌باشد. تعامل عناصر تاثیرگذار با اتکا به اصول یک نظام سیاسی جهت سیاست‌گذاری و واکنش به مقولات مبتلا به، موجب شکل‌گیری سیاست خارجی یک کشور می‌شود. نوشته حاضر معطوف به بررسی نهادها و منابع موثر بر شکل‌گیری سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا است، به بیان دیگر پرسش اصلی مقاله این است که نهادها و منابع موثر بر سیاست‌گذاری آمریکا کدامند؟ که برای پاسخ به این پرسش، مقاله حاضر به دو بخش تقسیم شده است؛ در بخش نخست منابع و نهادهای رسمی تاثیرگذار بر سیاست خارجی آمریکا مورد بررسی قرار گرفته و در بخش دوم نیز به منابع و نهادهای غیر رسمی پرداخته خواهد شد.

### منابع و نهادهای اثرگذار بر سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا، متأثر از توانایی‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و همچنین سنت‌های تاریخی خود، گسترده‌ترین سیاست خارجی را در بین کشورهای دنیا دارا است. منافع ملی آمریکا در سراسر جهان گسترده شده است و نیاز به سیاست خارجی جهانی، در نظر سیاستمداران آمریکایی احساس می‌شود. در بیشتر رویدادهایی که در جهان اتفاق می‌افتد به گونه‌ای دخالت مستقیم یا غیرمستقیم ایالات متحده در آن رویداد بوده یا مورد توجه طراحان سیاست خارجی آن کشور بوده است. بخش بسیاری از تحولات آسیا، اروپا، آفریقا، خاورمیانه و بیشتر رویدادهای نیمکره غربی متأثر از خط‌مشی سیاست خارجی ایالات متحده است.

قدرت سیاسی در سیستم فدرال آمریکا غیر متمرکز است و در داخل حکومت فدرال، اختیار و مسئولیت سیاست خارجی کشور بین رئیس‌جمهور و کنگره تقسیم شده است. دایره مرکزی در روند سیاست‌گذاری مرکب است از رئیس‌جمهور، مشاوران نزدیک وی و مقامات مهم سیاسی همچون وزیران امور خارجه، دفاع، رئیس سازمان اطلاعات مرکزی (سیا)، معاونان و دستیاران گوناگون وزیرانی که دارای مسئولیت انجام تصمیمات سیاسی هستند. همه تصمیمات مهم که متضمن سرنوشت کشور است اصولاً در این حلقه اتخاذ می‌گردد، دایره دوم مشتمل است بر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف قوه مجریه و در نهایت دایره بیرونی مرکب است از کنگره، احزاب سیاسی، گروه‌های ذی‌نفع، افکار عمومی، رسانه‌های جمعی که نسبت به دایره مرکزی کمترین مداخله را در روند روزمره سیاست خارجی دارند (ویتکف، ۱۳۸۲: ۴۸۷).

بر همین اساس می‌توان منابع تاثیرگذار در سیاست خارجی امریکا را به دو گروه نهادهای رسمی و غیررسمی تقسیم کرد:

## الف - نهادهای رسمی

### ۱- قوه مجریه

بر حسب سنت قوه مجریه مسئولیت عمده‌ای در تنظیم سیاست خارجی کشورها بر عهده دارد و از قدیمی‌ترین دستگاه‌های سیاست‌گذاری خارجی محسوب می‌شود. معمولاً رئیس قوه مجریه در هر کشور (پادشاه، رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر) مسئولیت اصلی برقراری روابط دیپلماتیک و اداره امور بین‌المللی را بر عهده دارد (قوام، ۱۳۸۲: ۲۲۱).

رئیس‌جمهور به‌عنوان بالاترین فرد اجرایی در ایالات متحده مسئول اجرا و اداره سیاست خارجی است. میزان دخالت هر رئیس‌جمهوری در سیاست خارجی متفاوت است و بستگی به میزان علاقه و توجه وی به مسائل مختلف دارد. گروهی از آنان در حد مسائل داخلی، موضوعات بین‌المللی را نیز هدایت می‌کنند و سعی دارند نقش بیشتری را در این زمینه بر عهده گیرند. بیشتر روسای جمهور آمریکا به مسائل داخلی، مانند اقتصاد و رفع معضلات اجتماعی بیشتر توجه نموده، هدایت دستگاه دیپلماسی را به مشاوران ارشد خود واگذار نمایند. ریچارد نیکسون و جورج بوش، پس از جنگ جهانی دوم جزو روسای جمهوری بودند که بخش عمده دوران ریاست‌جمهوری خود را به پیگیری مسائل بین‌المللی اختصاص دادند. نیکسون در آن راه از هنری کسینجر سود جست و در حقیقت وجود وی در وزارت امور خارجه باعث شد تا نیکسون با جدیت بیشتری سیاست خارجی را پیگیری نماید. در عوض روسای جمهوری همچون جانسون، فورد و کلیتون حل مسائل داخلی را در صدر اولویت‌های خود قرار داده و هیچ‌یک از آنها دستاوردی برجسته در عرصه نظام بین‌المللی ارائه ندادند و خط‌مشی سیاست خارجی آمریکا را نیز دچار تغییر نمودند.

رئیس‌جمهور به‌عنوان عالی‌ترین مقام قوه مجریه در امریکا، همه روابط خارجی ایالات متحده را طرح‌ریزی و اجرا می‌کند. اعزام سفیر و سایر مأموران سیاسی و کنسولی به کشورهای دیگر و پذیرفتن سفیران و نمایندگان سیاسی و کنسولی دیگر کشورها از اختیارات خاص رئیس‌جمهور است. البته انتصاب سفیران باید به تایید مجلس سنا هم برسد.

رئیس جمهور فرماندهی کل نیروهای مسلح و شبه نظامیان ایالتی را برعهده دارد و از اختیارات جنگی برخوردار است ولی نمی تواند خودسرانه کشور را به جنگ های خارجی بکشانند. هرگاه نیاز به اعزام نیروهای نظامی به خارج از مرزها باشد رئیس جمهور باید آن را به اطلاع کنگره رسانده و مجوز کسب نماید، به عبارتی اعلان جنگ بر عهده کنگره گذاشته شده است. رئیس جمهور مسئولیت دارد اداره امور داخلی و سیاست خارجی را در هنگام حل و فصل بحران های داخلی و منطقه ای، بر عهده گیرد و با مشاوران و دستیاران خود در کابینه، امور کشور را اداره کند. وی برای پیشبرد خط مشی مورد نظرش، دچار محدودیت قانونی نیست اما همواره باید دیدگاه ها و مواضع اعضای کنگره را در حل و فصل بحران های داخلی و منطقه ای در نظر بگیرد. تصویب بودجه کشور یا مجوز اعزام نیروهای نظامی به خارج از مرزها، بر عهده کنگره است و در صورتی که رئیس جمهور یک جانبه تصمیم گیری نماید، برای کسب بودجه های مورد نیاز یا اعزام نیروهای نظامی به خارج از مرزها برای دخالت در بحران های منطقه ای و بین المللی با مشکل مواجه خواهد شد (Vile. M. J, pp.2-3).

نهادهای، ارگان ها و وزارتخانه های متعددی رئیس جمهور را در امر سیاست گذاری خارجی یاری می کنند که مهم ترین آنها عبارتند از:

### ۱-۱- وزارت امور خارجه

این وزارتخانه از نخستین وزارتخانه های ایالات متحده است که همزمان با تشکیل دولت ایالات متحده همراه با وزارت خزانه داری و جنگ (وزارت دفاع کنونی) در سال ۱۷۸۹ بنیان گذاری شد. وزارت امور خارجه موظف است روابط سیاسی و دیپلماتیک ایالات متحده را با کشورهای دیگر شکل دهد و رئیس جمهور را در اداره روابط سیاسی یاری کند. وزیر امور خارجه، همچنین باید به سازمان های دولتی دیگر در چارچوب حوزه وظایف آنها کمک نماید تا سیاست خارجی کشور هماهنگ و منسجم عمل کند (www.stage.gov).

در ایالات متحده، در اکثر مواقع، وزیر امور خارجه نقش مجری سیاست های رئیس جمهور در امور بین المللی را بازی می کند. از طرفی گاهی رؤسای جمهور به علت نداشتن اطلاعات کافی از مسائل بین المللی و سیاست خارجی و بی میلی نسبت به امور بین المللی، اداره سیاست خارجی را به وزرای امور خارجه خود که از اطلاعات و مهارت کافی برخوردارند، تفویض می نمایند. برای نمونه در دولت های افرادی همچون هری ترومن، دوایت آیزنهاور، لیندون جانسون و جerald فورد وزرای امور

خارجه نقش عمده را در سیاست خارجی ایفا می‌کردند. در مقابل افرادی همچون جان اف کندی، ریچارد نیکسون و جیمی کارتر شخصاً نقش عمده‌ای را در سیاست خارجی داشته‌اند.

### ۲-۱- شورای امنیت ملی

شورای امنیت ملی در سال ۱۹۴۷ تاسیس شد. هدف از ایجاد چنین شورایی در ستاد ریاست‌جمهوری، ارائه مشاوره به رئیس‌جمهور درباره مسائل داخلی، خارجی و نظامی مرتبط با مباحث امنیتی عنوان شده است. یعنی، شورای امنیت ملی موظف است درباره مسائل امنیت ملی تحقیق و بررسی کرده، اطلاعات مورد نیاز را برای تصمیم‌گیری در اختیار رئیس‌جمهور بگذارد.

این شورا مهم‌ترین نهادی است که تنها به موجب قانون ایجاد گردیده است. شورای امنیت ملی در کانون ساختار امنیت ملی کشور قرار دارد و با وجود آنکه به‌عنوان عالی‌ترین نهاد مشورتی است در مجموعه دولت محسوب می‌شود و مستقل از کابینه عمل می‌کند (رضاخواه و ثمودی، ۱۳۸۸: ۳۰-۳۱). اعضای شورای امنیت ملی عبارتند از: رئیس‌جمهور، معاون رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه، وزیر دفاع، وزیر امنیت داخلی، رئیس سازمان مرکزی اطلاعات (CIA) و رئیس ستاد مشترک ارتش، ضمن این که رؤسای جمهور متناسب با دیدگاه شخصی خود می‌توانند شمار دیگری از مقامات دولتی را نیز به عضویت شورا در آورند. افراد یادشده، همواره عضو شورای امنیت ملی بوده و ترکیب اصلی آن را تشکیل می‌دهند. افزون بر اعضای ثابت شورای امنیت ملی، هر رئیس‌جمهوری برای خود، مشاور امنیت ملی بر می‌گزیند تا آخرین اطلاعات تحقیقات و تحلیل‌های سیاسی - امنیتی را به وی ارائه دهد، مشاور امنیت ملی از جایگاه ویژه‌ای در کابینه برخوردار است. کسینجر و برژینسکی از جمله مشاورانی بودند که نفوذشان بیش از وزرای خارجه وقت بود و مغز متفکر نیکسون و کارتر به‌شمار می‌آمدند و بسیاری از دستاوردهای سیاست خارجی آمریکا بر پایه اندیشه و ذهنیت خلاق آنان بوده است، تصمیم‌گیرنده اصلی در مسائل خارجی نه وزرای وقت بلکه آنان بودند و مشاوران امنیت ملی کابینه گاهی رأی نهایی را در آن مورد ارائه می‌نموده‌اند که یکی از آن اختلاف‌نظر میان برژینسکی و سایروس ونس، درباره انقلاب اسلامی ایران بود که موجب کناره‌گیری وزیر خارجه آن زمان شد و تفکرات برژینسکی (مشاور امنیت ملی) را بر سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده آمریکا حاکم نمود (www.state.gov).

### ۱-۳- آژانس اطلاعات مرکزی (سیا)<sup>۱</sup>

آژانس اطلاعات مرکزی (سیا) سازمانی جاسوسی است که در ترسیم سیاست خارجی ایالات متحده بسیار موثر است. این سازمان در سال ۱۹۴۷ تاسیس شد. سیا از تاسیس تا امروز یکی از ابزارهای اجرایی سیاست خارجی ایالات متحده بوده است.

سازمان سیا از آغاز تاسیس، در جمع وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مستقل ستاد ریاست‌جمهوری، از نقش قابل توجهی برخوردار شد. ریاست این سازمان از سوی رئیس‌جمهور معرفی می‌شود و سنا نیز باید وی را تایید کند، رئیس کل سیا ریاست عالی «جامعه اطلاعاتی» آمریکا را بر عهده دارد و از اعضای بلندپایه شورای امنیت ملی نیز به‌شمار می‌آید (Robert Mc Keever, 1999: 309).

این سازمان با جمع‌آوری اطلاعات از دیگر کشورهای جهان، ارائه تحلیل به رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و مشاور امنیت ملی و انجام عملیات برون‌مرزی، به اعمال نظر در سیاست خارجی می‌پردازد. بسیاری از مواقع، تحلیل‌ها و نظرات کارشناسی مسئولین سیا اساس کار دستگاه دیپلماسی قرار می‌گیرد و روند سیاست خارجی را مشخص می‌سازد. بیشتر سفارتخانه‌های ایالات متحده، دارای بخش وسیعی است که در اختیار کارمندان سیا قرار داشته و به جمع‌آوری اطلاعات جاسوسی، تحت پوشش فعالیت‌های دیپلماتیک می‌پردازد. افشای اسناد سفارتخانه‌های آمریکا در تهران به دست دانشجویان پیرو خط امام خمینی<sup>(۵)</sup> نشان داد که سیا تا چه اندازه در کشورهایی همچون ایران نفوذ داشته و خط‌مشی روابط بین دو کشور را تعیین می‌کرده است.

سازمان سیا در کنار وظایف جاسوسی بارها ابزار سیاست خارجی ایالات متحده بوده و به عملیات و دخالت در امور داخلی دیگر کشورها اقدام نموده است. سیا طی ۵۰ سال گذشته چند کودتا را در کشورهای جهان به مرحله اجرا گذاشته و از اجرای طرح ترور رهبران کشورهای دیگر نیز خودداری نکرده است.

اعمال نفوذ بر انتخابات پارلمانی ایتالیا در سال ۱۹۴۸ برای کمک به حزب دموکرات مسیحی در مقابل کمونیست‌ها، سرنگونی دولت دکتر مصدق در سال ۱۹۵۳ در ایران، عملیات ناموفق خلیج خوک‌ها برای پیاده کردن کوبایی‌های ضد انقلاب در خاک آن کشور در سال ۱۹۶۱، طراحی و انجام چندین عملیات

<sup>۱</sup> The Central Intelligence Agency (CIA)



ترور ناموفق فیدل کاسترو در دهه ۱۹۶۰، نفوذ به خاک لائوس و جنگ با آن کشور در دوران ریاست-جمهوری جانسون، کودتا علیه دولت ملی سالوادور آلنده و به قدرت رساندن دیکتاتور پینوشه در سال ۱۹۷۳، کمک به ضد انقلابیون نیکاراگوئه در دوران ریاست‌جمهوری ریگان و سرانجام عملیات روانی، تبلیغاتی علیه نظام کمونیسم در طول جنگ سرد و کمک به فروپاشی بلوک شرق و تجزیه اتحاد جماهیر شوروی از جمله اقدامات برون‌مرزی سیا در راستای سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بوده است (Vile. M. J: 141-144).

یافته‌ها و اطلاعات سیا از راه‌های گوناگون به دست سیاستگذاران می‌رسد:

دسته اول، اطلاعات در مورد رویدادها و تحولات جهانی است که هر روز یک و حتی چند بار برای مقامات عالی‌رتبه آماده می‌شود. هر روز صبح گزارشی فشرده به رئیس‌جمهور در کاخ سفید می‌رسد. گاهی هم نسخه‌هایی از این گزارش‌ها بین معاون رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه، وزیر دفاع، مشاور امنیت ملی و رئیس ستاد مشترک ارتش توزیع می‌شود.

دسته دیگر اطلاعات، از طریق همکاری سیا در تشریح وقایع جاری و فرصت‌ها یا مسائل بالقوه مربوط به آمریکا، با تجزیه و تحلیل گزارش‌های سیاسی، به دست می‌آید. تقریباً همه جلسات شورای امنیت ملی و جلسات فرعی کابینه با بررسی خلاصه گزارشی که رئیس سیا یا یک کارشناس رده پایین‌تر ارائه می‌دهد، آغاز به کار می‌کند. افزون بر موارد قبل، برآوردهای سازمان نیز می‌تواند نقش مهمی در سیاست‌گذاری بازی کند. این برآوردها، بررسی عملی موضوع را ممکن و تحولات آینده را پیش‌بینی می‌کند. از شیوه‌های متداول در این زمینه، توجه به دیدگاه‌های متنوع و طرح‌های جانشین و ارائه بهترین برآورد بر اساس ارزیابی نتایج احتمالی راه‌های مختلفی است که حوادث ممکن است بپیماید. این‌گونه برآوردها توسط تحلیلگران سازمان‌های مختلف جاسوسی و تحت نظارت کارشناسان ارشد سازمان که افسر ملی نامیده می‌شوند، صورت می‌گیرد. این برآوردها، رسمی‌ترین دیدگاه سازمان محسوب می‌شود. در مجموع، همان‌طور که سیا از جانب نویسندگان به‌عنوان حکومتی نامرئی معرفی می‌شود، با بررسی عملکرد این سازمان، می‌توان آن را نامرئی‌ترین، موشکاف‌ترین و گسترده‌ترین سازمان اطلاعاتی جهانی به‌شمار آورد. سیا در حالی که گاهی توان رد اظهارات و پاسخگویی به انتقادات عمومی را دارد، معمولاً مجبور می‌شود سکوت پیشه کند که نتیجه آن تخیلاتی آشفته و ضد و نقیض درباره سازمان و درک بسیار ناچیز از نقش واقعی آن در حکومت ایالات متحده است (سلیمی‌بنی، ۱۳۸۱).

## ۲- قوه مقننه

کنگره در سیاست گذاری خارجی ایالات متحده نقش مهم و تعیین کننده ایفا می کند، با نگاهی اجمالی به مباحث انجام شده در زمان تصویب قانون اساسی و همچنین بندهای قانون اساسی آمریکا به این نکته پی می بریم که هدف نویسندگان قانون اساسی، تقسیم اختیارات موجود در حوزه سیاست خارجی میان دولت و کنگره بوده است.

کنگره ایالات متحده از دو مجلس نمایندگان و سنا تشکیل شده است. دو مجلسی بودن کنگره به چند دلیل است؛ نخست این که، در جریان شکل گرفتن نهادهای حکومتی در آمریکا، مستعمره نشین ها سعی کردند که از تجربه موفق انگلستان برای توسعه دموکراسی نسخه برداری کنند. دوم این که در جریان تدوین قانون اساسی نویسندگان آن برای از میان بردن اختلافات بین ایالات پیشنهاد کردند که قدرت سیاسی به نحوی بین ایالات تقسیم شود که ایالات کوچک و بزرگ هر دو احساس کنند که منافعیشان حفظ می شود، بر اساس این توافق بنا شد تمامی ایالات بدون توجه به جمعیت یا وسعت خاک، هر یک دو کرسی در مجلس سنا داشته باشند. از طرف دیگر با توجه به این که جمعیت ایالات بزرگ بیشتر بود، می توانستند تعداد نماینده بیشتری در مجلس نمایندگان داشته باشند. دلیل سوم اندیشه کنترل و موازنه است که بر اساس آن نهادهای مختلف حکومت یکدیگر را کنترل می کنند، در کنگره نیز اعضای کنگره و سنا یکدیگر را کنترل می کنند، در نتیجه جلوی تمرکز قدرت در دست یک مجلس گرفته می شود (امجد، ۱۳۸۵: ۱۹۹).

عمده ترین وظایف کنگره برابر قانون اساسی، عبارتند از:

۱- **قانون گذاری:** کلیه قوانین به تصویب کنگره رسیده و رئیس جمهور بعد از تصویب کنگره آنها را امضاء می نماید.

۲- **اعلان جنگ:** از اختیارات انحصاری کنگره به شمار می آید و هر گونه اعزام نیروی های مسلح به خارج از کشور، باید به تصویب کنگره برسد.

۳- **تصویب پیمان های خارجی:** هر گونه پیمان و قراردادی که دولت فدرال با دولت های خارجی یا سازمان های بین المللی منعقد نماید، باید به تصویب مجلس سنا برسد. کسب دو سوم آرای سناتورها در تصویب آنها ضروری است و اگر سنا پیمانی را تایید نکند رئیس جمهور مجبور به تبعیت از سنا است. برای نمونه، مخالفت سنا با تصمیمات کنگره ورسای در سال ۱۹۱۹، حضور فعال ایالات متحده

را در صحنه بین‌الملل از جمله عضویت در جامعه بین‌الملل حداقل پانزده سال به تأخیر انداخت و به شکست حزب دموکرات در انتخابات ۱۹۲۰ انجامید. همچنین پس از ورود آمریکا به جنگ جهانی اول، رئیس‌جمهور وقت این کشور (ویلسون) به مقامات سوئیسی اطلاع داد که ایالات متحده آمریکا تا زمانی که وضعیت بی‌طرفی سوئیس توسط دشمنان محترم شمرده شود، آن را رعایت خواهد کرد اما اگرچه پیمان یا قراردادی در این زمینه منعقد نشده بود، کنگره آمریکا قوانینی را که بر خود بی‌طرف‌سازی دلالت دارند و به نحوی این دولت را نسبت به دولت‌های دیگر مقید و متعهد سازد، تصویب نکرد (قوام، ۱۳۸۲: ۱۵۳).

**۴- تایید مقامات دولت فدرال:** کلیه مقامات دولت فدرال جز رئیس‌جمهور و معاون وی، برای تصدی سمت‌های خود باید تایید دو سوم سناتورها را کسب نمایند.

**۵- ابطال وتوی رئیس‌جمهور:** رئیس‌جمهور می‌تواند مصوبات کنگره را وتو نماید، اگر دو سوم اعضای هر دو مجلس کنگره در نشست مشترک، رأی به ابطال وتوی رئیس‌جمهور دهند، مصوبه کنگره لازم‌الاجرا خواهد بود.

**۶- استیضاح رئیس‌جمهور:** رئیس‌جمهور یا هر یک از مقامات دولت فدرال، اگر مرتکب تخلف قانونی شوند، کنگره می‌تواند آنان را استیضاح نماید. ابتدا موضوع تخلف قانونی در مجلس نمایندگان مطرح و اگر دو سوم نمایندگان مجلس نمایندگان اتهام تخلف را پذیرفتند، موضوع به سنا ارجاع داده می‌شود و در سنا دادگاهی تشکیل می‌شود که ریاست آن بر عهده رئیس دیوان عالی فدرال خواهد بود. در پایان جلسات محاکمه سنا، اگر سناتورها با اکثریت آراء به محکومیت رئیس‌جمهور یا دیگر مقامات دولت فدرال رأی مثبت دهند آن فرد برکنار خواهد شد (Robert Mc Keever, 1999: 320-323).

نقش کنگره در سیاست‌گذاری از اهمیت بیشتری برخوردار است به طوری که بعد از عقب‌نشینی از ویتنام به طور فعالانه‌ای در صدد تعیین سیاست‌های مختلف و رویه‌های سیاست‌گذاری بر آمد که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (ویتکف، ۱۳۸۲: ۶۰۱):

در سال ۱۹۷۴ کنگره وتوی رئیس‌جمهور نیکسون را رد کرد تا قطعنامه اختیارات جنگ به قانون تبدیل شود، به این صورت که رئیس‌جمهور ملزم می‌گردید که قبل از اعزام سربازان به خارج از مرز با کنگره مشورت نماید و در همان سال از دادن اجازه به رئیس‌جمهور برای اعطای امتیاز دولت کامله الوداد به اتحاد شوروی، با مشروط کردن آن به مهاجرت یهودیان شوروی امتناع ورزید.

در سال ۱۹۸۲ کنگره وزارت دفاع و سیا را از اعطای اعتبار به منظور سرنگون ساختن حکومت نیکاراگوئه محروم ساخت.

در سال ۱۹۸۶ وتوی رئیس‌جمهور را رد کرد تا تحریم اقتصادی در مورد آفریقای جنوبی را برقرار کند.

## نهادهای غیر رسمی

### ۱- احزاب سیاسی

احزاب واسطه بین حکومت و مردم به‌شمار آمده و جایگاه ویژه‌ای در ساختار سیاسی ایالات متحده آمریکا داشته و بخش وسیعی از معادلات سیاسی - اجتماعی کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهند. احزاب در بیشتر انتخابات فدرال و ایالتی، با قدرت و توان بالایی شرکت کرده و بر نظام سیاسی تاثیر می‌گذارند. رؤسای جمهور و اعضای کنگره، مقامات بلندپایه حزبی هستند که مسئولیت اجرایی و قانون‌گذاری را در دست گرفته و در طول فعالیت خود به استراتژی‌های دولت شکل می‌دهند.

ایالات متحده نظامی دو حزبی دارد و احزاب سوم هرگز نتوانسته‌اند در این کشور پا بگیرند. ریشه این امر را در درجه اول باید در ساختارهای فکری اولیه مردم ایالات متحده که حول دو محور فدرالیست و ضد فدرالیست بسیج شده بودند یافت. حزب فدرالیست خواستار ایجاد ثبات و تمرکز قدرت در دست دولت فدرال بود، در حالی که ضد فدرالیست‌ها خواستار آزادی بیشتری برای ایالات و شهروندان ایالات متحده بودند (امجد، ۱۳۸۵: ۱۰۲-۱۰۳).

امروزه در صحنه سیاسی ایالات متحده آمریکا دو حزب قدرتمند و گسترده دموکرات و جمهوری خواه حضور دارند که به تناوب و به شکل دوره‌ای توانسته‌اند قدرت را در قوه مجریه به دست گیرند. این دو حزب هر یک دارای ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خاص خود هستند و محل بروز رقابت واقعی، بین دو حزب عمده کشور هنگام انتخابات ریاست‌جمهوری است. موقعیت دو حزب به گونه‌ای است که هیچ یک دارای تسلط مطلق بر دیگری نیست و البته مانع ورود حزب سوم به منازعات سیاسی کشور نیز می‌شود.

احزاب سیاسی آمریکا با خصایص ویژه‌ای از هم‌تایان خود در دیگر کشورها متمایز می‌شوند که می‌توان به دو تفاوت اصلی اشاره کرد:

۱- **تمرکز در امور انتخاباتی:** حزب سیاسی در آمریکا به سادگی قابل انفکاک از صدها گروه ذی‌نفوذ و یا سازمان‌های سیاسی غیرحزبی نمی‌باشد که به طور وسیعی در فعالیت‌های سنتی حزبی مانند

رقابت‌های انتخاباتی و بسیج افراد و دستگاه‌های حکومت مشارکت دارند که می‌توان همه سازمان‌های سیاسی اعم از احزاب و غیر آنها را در این حیطة به‌عنوان واسطه‌هایی بین سیاست خرد فردی و سیاست کلان نهادها و نظام‌های سیاسی در نظر گرفت. لیکن در بررسی و مطالعه تاریخ احزاب آمریکا تمایز عمده‌ای که احزاب سیاسی آمریکا را از دیگر سازمان‌های سیاسی جدا می‌کند، تمرکز آنها در امور انتخاباتی است.

**۲- ماهیت غیر ایدئولوژیک احزاب:** بسیاری از افرادی که به آمریکا روی آورده بودند دلایلی در گریز از زجر و آزار مذهبی داشتند و در کشورهای اروپایی عمدتاً مذاهب مختلف اقلیت، در میان افراد اکثریت غالباً روی آسایش را به خود نمی‌دیدند. در پیدا کردن کار و دیگر مسائل با مشکل روبه‌رو بودند و دیگر رنج‌ها و ملامت‌ها را به سبب برخورداری دینی متفاوت از دیگران بر خود می‌دیدند. اینها زمانی که پی بردند در آمریکا کیش و آئین مسئله‌ای ایجاد نمی‌کند، به آن سوی روی آوردند. بنابراین از عوامل اساسی قابل توجه در احزاب سیاسی آمریکا تکیه و جهت‌گیری کمتر آنها به سوی تمایلات ایدئولوژیک نسبت به احزاب دیگر کشورها بوده است و همین امر باعث شده احزاب افراطی ایدئولوژیک مانند احزاب کمونیست و فاشیست و حتی احزاب سوسیالیست نتوانند در این کشور پا بگیرند.

## ۲- گروه‌های ذی‌نفع

گروه‌های ذی‌نفع که به‌عنوان گروه‌های فشار خوانده می‌شوند تاثیر عمیق و مهمی بر روند تدوین سیاست خارجی کشورها ایفا می‌کنند. این گروه‌ها می‌توانند از شهروندان معمولی که خواسته‌هایی صرفاً اقتصادی و معیشتی دارند و یا نخبگان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و قومی تشکیل گردند.

از آنجا که فعالیت‌های گروه‌های ذی‌نفع همیشه آشکار نیست، این گروه‌ها در پشت صحنه کار می‌کنند تا سیاست‌هایی را به پیش ببرند که در خدمت منافع گروه‌های پشتیبانی‌کننده آنها باشد. این گروه‌ها اگر جزو گروه‌های ذی‌نفع خاص باشند در مسائل مورد علاقه خود صرفاً نفع گروهی را در نظر می‌گیرند که در مواردی حتی در تضاد منافع و مصالح عمومی قرار می‌گیرد. در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی این گروه‌ها نظرات خود را با ایجاد فشارهای شدید در روند تصمیم‌گیری سیاست خارجی اعمال می‌نمایند (روشه، ۱۳۸۰: ۸۳).

ایالات متحده سامانه حکومتی متکثری دارد که راه‌های زیادی را برای تاثیرگذاری بر روند سیاسی در آن فراهم می‌کند. در نتیجه گروه‌های فشار می‌توانند به روش‌های مختلفی مانند لابی کردن با نمایندگان منتخب و اعضای شاخه اجرایی، مشارکت در مبارزات انتخاباتی، حمایت از گروهی خاص در انتخابات، استفاده از افکار عمومی و... بر سیاست داخلی و خارجی آمریکا اثرگذار باشند (امجد، ۱۳۸۵: ۸۶-۸۷). گروه‌های فشار در شکل‌گیری سیاست‌های داخلی و خارجی ایالات متحده، دارای نقش تردید ناپذیری دارند و بسیاری از رفتارهای دولتمردان متأثر از اعمال نفوذ و فشار چنین تشکلهایی است. در بخش سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، گروه‌های متنفذ بسیاری فعالیت می‌کنند که متناسب با میزان نفوذ و تاثیرگذاری خود، بر بخشی از دستگاه دیپلماسی ایالات متحده تسلط دارند.

در آمریکا گروه‌های ذی‌نفع به سه گروه تقسیم می‌شوند:

- ۱- **گروه‌های اقتصادی:** این گروه کاخ سفید را در فشار قرار می‌دهند تا زمینه گسترش صادرات را با باز کردن بازارهای مصرف جدید مهیا سازد، آنان از برپایی بلوک‌های منطقه‌ای اقتصادی یا سازمان‌هایی نظیر سازمان تجارت جهانی حمایت می‌کنند و خواهان گسترش روابط با کشورهایی نظیر چین هستند.
  - ۲- **گروه‌های اجتماعی و مذهبی:** سیاست خارجی کشور را از دریچه موضوعاتی همچون آزادی‌های مذهبی، اجتماعی و حقوق بشر می‌نگرند. این گروه‌ها بر توسعه روابط ایالات متحده با کشورهایی که حقوق بشر را رعایت نمی‌کنند حساس بوده، بارها توانسته‌اند سطح روابط واشینگتن را با چنین کشورهایی کاهش دهند. بخش عمده روابط ایالات متحده با کشورهایی همچون چین، ایران، سودان، کره شمالی، کوبا از همین گروه‌های اجتماعی و مذهبی تاثیر پذیرفته است.
  - ۳- **گروه‌های قومی:** این گروه‌ها با دقت عملکرد دستگاه دیپلماسی ایالات متحده را پیگیری می‌نمایند. با توجه به اهمیت این گروه‌ها به تشریح مهم‌ترین گروه ذی‌نفع قومی که در روند سیاست‌گذاری آمریکا خصوصاً در منطقه خاورمیانه نقش موثری را ایفا می‌کند، می‌پردازیم:
- آپیک! قدرتمندترین گروه متنفذ نژادی، لابی یهودیان آمریکا است که به کمیته امور عمومی آمریکا اسرائیل معروف است. هماهنگی میان جامعه یهودیان ایالات متحده با سیاست‌مداران و دولتمردان آمریکا از وظایف آن کمیته است.

این کمیته در آغاز «کمیته صهیونیسم آمریکا برای امور عمومی» نامیده شد که ای. ال کنین آن را در سال ۱۹۵۱ بنیان نهاد، هدف از تاسیس آن این بود که نمایندگان کنگره برای اسرائیل کمک‌هایی فراهم آورند. این کمیته تا اواخر دهه ۱۹۶۰، قدرتمندترین لابی در زمینه سیاست خارجی بود. آپیک تا اواخر دهه ۱۹۷۰ سازمانی با شمار اندک بود و تنها محل فعالیت آن واشینگتن بود اما اکنون دارای بیش از صد کارمند ثابت در هفت مرکز است و بودجه آن نزدیک به سیزده میلیون دلار است (www.us\_israel.Org).

در دهه ۱۹۹۰ آپیک به‌عنوان دومین لابی موثر در آمریکا شناخته شد که بعد از لابی انجمن بازنشستگان آمریکا (AARP) قرار گرفت، بنابراین قدرت و تاثیر آپیک حتی فراتر از قدرت نیروهای کارگری سازمان یافته بود. آپیک به‌عنوان هماهنگ‌کننده سازمان‌های طرفدار اسرائیل عمل می‌کند تا سیاست‌های حمایتی از صهیونیسم را در کاخ سفید و کنگره جلو ببرد. رسالت آپیک ایجاد اطمینان نسبت به استحکام و استمرار روابط آمریکا و اسرائیل است (جی‌تری، ۱۳۸۸: ۱۰۳-۱۰۵).

آپیک نفوذی فوق‌العاده در قوه مجریه آمریکا دارد. این قدرت تا حدی متاثر از تاثیر آراء یهودیان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا است. با وجود جمعیت کم یهودیان در آمریکا (چیزی کمتر از سه درصد جمعیت ایالات متحده)، آنها حضور بسیار پررنگی در مبارزات انتخاباتی کاندیدای ریاست جمهوری دارند و در میان طرفداران کاندیداهای هر دو حزب نیز حضور دارند. روزنامه واشینگتن پست در مطلبی تخمین زده بود که کاندیداهای دموکرات برای شصت درصد هزینه‌های انتخاباتی به حامیان مالی یهودی خود وابسته هستند (دهشیار، ۱۳۸۶: ۸۴).

اهداف لابی آپیک زمانی بهتر بر آورده می‌شود که طرفدار رژیم صهیونیستی مناصب مهم قوه مجریه را اشغال می‌کنند. برای مثال در دولت کلینتون سیاست‌های مربوط به خاومیان تا حد زیادی به کارمندان سپرده شده بود که ارتباطات نزدیکی با رژیم صهیونیستی یا سازمان‌های طرفدار رژیم صهیونیستی در آمریکا داشتند؛ در میان این عده می‌توان به مارتین ایندیک، جانشین سابق مدیر تحقیقات آپیک و بنیان‌گذار مؤسسه طرفدار رژیم صهیونیستی واشینگتن اشاره کرد (Washington Post 2007/2/2).

رکن اساسی فعالیت‌های آپیک بر پایه تاثیر آن بر کنگره ایالات متحده قرار دارد. یکی از دلایل موفقیت آن در کنگره این است که تعدادی از اصلی‌ترین سناتورها و نمایندگان، اعتقادات صهیونیست مسیحی

دارند. یکی از مهم‌ترین این افراد دیک آر می، رهبر سابق اکثریت مجلس نمایندگان بود؛ ایشان در ماه سپتامبر ۲۰۰۲ اظهار داشته که اولویت نخست آن در سیاست خارجی دفاع از رژیم صهیونیستی بوده است (New York Times Magazine 2002/9/123).

کارمندان طرفدار رژیم صهیونیستی در کنگره یکی دیگر از منابع قدرت لابی آپیک هستند، موریس آمیتای، رئیس سابق آپیک در این خصوص بیان داشت: (افراد زیادی در سطوح بالای کنگره وجود دارند که علائق یهودی دارند، این افراد به بسیاری از مسائل مانند همکار یهودی خود نگاه می‌کنند. افراد زیادی هستند که در این زمینه‌ها برای سناتورها تصمیم می‌گیرند. شما می‌توانید امید زیادی داشته باشید که بسیاری از این خواسته‌ها را از طریق کارمندان سطوح بالا انجام دهید (Mitchell, 1987).

یهودیان آمریکا بر رسانه‌های گروهی نفوذ بسیار دارند و به این طریق توانسته‌اند طی چند دهه گذشته افکار عمومی کشور را به خود جلب نمایند. اکنون شماری از روزنامه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی با گرایش به اسرائیل در اختیار یهودیان قرار دارد و بیشتر مقالات ارزیابی و جهت‌گیری‌های خبری چنین رسانه‌هایی، بر پایه دفاع از منافع یهودیان (به‌ویژه اسرائیل) در سراسر جهان استوار است.

مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی نیز تقریباً دارای چنین وضعیتی هستند، تحلیلگران سیاسی آمریکایی، بیشتر حامی منافع اسرائیل بوده و در طول روند خاورمیانه و پایان دادن به منازعه دیرینه اعراب و اسرائیل حفظ تمامیت آن کشور را مد نظر داشتند. تنها تعداد اندکی از دولت‌های چند دهه اخیر ایالات متحده توانسته‌اند بدون جانبداری رسمی از یهودیان تصدی امر را بر عهده بگیرند. بیشتر روشنفکران اندیشمندان نیز، نظر مساعدی نسبت به یهودیان و دولت اسرائیل دارند. دیدگاه بیشتر روشنفکران آمریکایی بر این پایه استوار است که اسرائیل تنها نظام دموکراسی واقعی در خاورمیانه به‌شمار می‌آید، زیرا نزدیکترین رابطه را با ایالات متحده ایجاد کرده است و حمایت از اسرائیل برای حفظ ارزش‌های دموکراسی غرب ضرورت دارد (www.us\_israel.org).

دورنمایی که لابی آپیک از اسرائیل ارائه می‌دهد به‌صورت گسترده‌ای در جریان اصلی رسانه‌های جمعی در آمریکا منعکس می‌شود زیرا بیشتر مفسران سیاسی این رسانه‌ها طرفدار اسرائیل هستند. اریک آلترمن، روزنامه‌نگار برجسته، در مقاله‌ای بیان داشت که در مباحث متخصصان مربوط به خاورمیانه مردم تنها کسانی را می‌بینند که نمی‌توان تصور کرد آنها از اسرائیل انتقاد کنند. او لیستی شصت و یک نفره از نگارندگان و مفسرانی ارائه کرده که می‌توان آنها را بدون شک در زمره حامیان رژیم صهیونیستی قرار



داد. در مقابل آلترمن تنها پنج کارشناس خاورمیانه یافته که از رفتار اسرائیل انتقاد می‌کرده و از مواضع اعراب طرفداری می‌کنند (www.msnbc.com).

### ۳- موسسات پژوهشی یا اتاق‌های فکر ایالات متحده آمریکا

موسسات پژوهشی یا اتاق‌های فکر که به لحاظ سیاسی در تدوین سیاست خارجی آمریکا تاثیرگذارند عموماً در واشینگتن مستقر هستند. هر یک از این موسسات علاقه وافری به انجام پروژه‌های تحقیقاتی و افزایش اثرگذاری خود بر سیاست‌مداران دارند. در میان ویژگی‌های منحصر به فرد موسسات پژوهشی در عرصه سیاست خارجی آمریکا، دو ویژگی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشند، اول اینکه بسیاری از آنها افراد و کارشناسان مختلفی از طیف‌های گوناگون دانشگاهی، بازرگانی، دولتی و افرادی از کنگره را در کنار یکدیگر جمع می‌کنند تا در مورد موضوعات و گزینه‌های مطرح در سیاست خارجی با هم به گفتگو و تبادل نظر بپردازند. علت ایجاد این اتاق‌های فکر، ظرفیت و توان آنها در کسب حمایت و اجماع لازم در مورد گزینه‌های سیاسی و رویکردی است که ایالات متحده در صدد اتخاذ و اجرای آن می‌باشد. به همین خاطر از این اتاق‌ها با عنوان «سلاح‌های مخفی» نیز یاد می‌شود. دوم این که موسسات پژوهشی فعال در عرصه سیاست خارجی منبع اصلی معرفی افراد مستعد و نخبه برای خدمت در دولت و یا کمک به اعضای کنگره می‌باشند. از طرفی دیگر این اتاق‌ها محل مناسبی برای مشغول به کار شدن دولتمردانی است که دیگر مسئولیتی رسمی ندارند و خواهان ادامه فعالیت در عرصه سیاسی خارجی هستند.

در مجموع موسسات پژوهشی در آموزش رهبران آمریکا، تدوین سیاست‌های آتی آن کشور، افزایش مشارکت مردم، جلب حمایت رهبران در عرصه سیاست عمومی و آموزش عموم مردم این کشور نقش به‌سزایی داشته‌اند. در حقیقت این موسسات به بخش جدایی‌ناپذیر سیاست خارجی آمریکا و نقش این کشور در جهان تبدیل شده‌اند که در این جا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود (رضاخواه و ثمودی، ۱۳۸۸: ۷۳).

سال تاسیس	موسسات پژوهشی ایالات متحده آمریکا	ردیف
۱۹۱۰	Carengie Endowment For International Peace / مؤسسه صلح کارنگی	۱
۱۹۱۶	Brookings Institution / مؤسسه بروکینگز	۲
۱۹۱۶	Carengie Council on Ethics and International Affairs / شورای بین‌المللی کارنگی	۳

۱۹۱۸	Hoover Institution / مؤسسه هوور	۴
۱۹۱۸	Foreign Policy Association / انجمن سیاست خارجی	۵
۱۹۱۹	Century Foundation / بنیاد قرن	۶
۱۹۲۰	National Bureau of Economic Research / دفتر ملی تحقیقات اقتصادی	۷
۱۹۲۱	Council on Foreign Relations / شورای روابط خارجی	۸
۱۹۲۲	Chicago Council on Foreign Relations / شورای روابط خارجی شیکاگو	۹
۱۹۳۰	Population Reference Bureau / مرکز مطالعات جمعیت شناسی	۱۰
۱۹۴۶	American Enterprise Institute / مؤسسه آمریکن اینترپرایز	۱۱
۱۹۴۶	Middle East Institute / مؤسسه خاورمیانه	۱۲
۱۹۴۸	Rand Corporation / شرکت تحقیقاتی رند	۱۳
۱۹۵۲	New America Foundation / مؤسسه منابع آتی	۱۴
۱۹۵۵	Foreign Policy Research Institute / مؤسسه پژوهشی سیاست خارجی	۱۵
۱۹۶۱	Hudson Institute / مؤسسه هادسون	۱۶
۱۹۶۲	Center For Strategic and International Studies / مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی	۱۷
۱۹۶۳	Institute for Policy Studies / مؤسسه مطالعات سیاسی	۱۸
۱۹۶۸	Urban Institute / مؤسسه اوربن	۱۹
۱۹۶۸	Woodrow Wilson International Center for Scholars / مرکز وودرو ویلسون	۲۰
۱۹۷۲	Center for Defense Information / مرکز اطلاعات دفاعی	۲۱
۱۹۷۳	Heritage Foundation / مؤسسه هریتیج	۲۲
۱۹۷۴	World Watch Institute / مؤسسه نظارت جهانی	۲۳
۱۹۷۷	Cato Institute / مرکز کاتو	۲۴
۱۹۸۱	Middle East Policy Council / شورای سیاست خاورمیانه	۲۵
۱۹۸۱	Institute for International Economics / مؤسسه اقتصاد بین‌المللی	۲۶
۱۹۸۱	West-East Institute / مؤسسه شرق - غرب	۲۷
۱۹۸۲	American Foreign Policy Council / شورای سیاست خارجی	۲۸
۱۹۸۲	Carter Center / مرکز کارتر	۲۹
۱۹۸۳	National Endowment for Democracy / مؤسسه ملی دموکراسی	۳۰
۱۹۸۴	United States Institute of Peace / مؤسسه صلح ایالات متحده	۳۱

۱۹۸۵	International Center for Economic Growth / مرکز بین‌المللی رشد اقتصادی	۳۲
۱۹۸۵	Washington Institute for Near East Policy / مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاورمیانه	۳۳
۱۹۸۶	Economic Policy Institute / مؤسسه سیاست اقتصادی	۳۴
۱۹۸۸	Center for Security Policy / مرکز سیاست امنیتی	۳۵
۱۹۸۹	Progressive Policy Institute / مؤسسه سیاست مترقی	۳۶
۱۹۸۹	National Bureau of Asian Research / دفتر ملی تحقیقات آسیا	۳۷
۱۹۸۹	Economic Strategy Institute / مؤسسه راهبردی اقتصادی	۳۸
۱۹۸۹	Center for Nonproliferation Studies / مرکز مطالعات منع تکثیر سلاح‌ها	۳۹
۱۹۸۹	Stimson Center / مرکز استیمسون	۴۰
۱۹۹۲	Institute for Security and Sustainable Development / مؤسسه امنیت و توسعه پایدار	۴۱
۱۹۹۵	International Crisis Group / گروه بحران بین‌المللی	۴۲
۱۹۹۹	New America Foundation / مؤسسه آمریکایی نوین	۴۳
۲۰۰۱	Migration Policy Institute / مؤسسه سیاست مهاجرت	۴۴
۲۰۰۲	Institute for the Analysis of Global Security / مؤسسه تحلیل امنیت جهانی	۴۵
۲۰۰۴	Center for American Progress / مرکز پیشرفت آمریکا	۴۶

در این مقاله مجالی برای بررسی تمامی موسسات پژوهشی نبوده بنابراین برخی از مهم‌ترین آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد؛

### مؤسسه آمریکن اینتر پرایز

این مؤسسه از سال ۱۹۴۳ با سازماندهی نومحافظه‌کارانی متشکل از جمهوری خواهان و دموکرات‌ها به‌عنوان مرکز سیاست‌گذاری خارجی نومحافظه‌کاران فعالیت می‌کند. مؤسسه اهتمام آمریکا برای تحقیق در سیاست‌گذاری عمومی که با عنوان اختصاری «آمریکن اینترپرایز» خوانده می‌شود، اصلی‌ترین بنیاد فکری و پژوهشی است که در پرورش فکر سیاست خارجی نومحافظه‌کاران و به‌خصوص دولت بوش (پسر) مؤثر بوده است. درباره اهمیت این مؤسسه در نزد جورج بوش همین بس که بوش در سال ۲۰۰۲ گفت: «شما از جمله بهترین مغزهای این کشور هستید... آری شما چندان برجسته‌اید که دولت من نزدیک به بیست تن از شما را به خدمت گرفته است».

نومحافظه‌کاران جنگ‌طلبی چون ریچارد پرل، رونالد رامسفلد، پل ولفوویتز و داگلاس فیث و تقابل - گرایانی چون مایکل لدین، مایکل روبین و رائل مارک گرشت که همواره علیه ایران قلم زده و می‌زنند از اعضای این مؤسسه به حساب می‌آیند. لدین و روبین دارای روابط نزدیکی با سلطنت‌طلبان می‌باشند و به‌شدت با همکاری ایالات متحده آمریکا با گروهک تروریستی منافقین مخالفت می‌ورزند (عبداله - خانی، ۱۳۸۵: ۹۴).

افرادی همانند مایکل لدین، برنارد لوئیس<sup>۱</sup> و سناتور سام براون بک<sup>۲</sup> که از اعضای این مؤسسه هستند در سیاست تعارض با ایران، بر طراحی انقلاب مخملی تاکید دارند. گفتمان مسلط در اجرایی‌سازی انقلاب مخملی در ایران بر اساس طرح ملی همه‌پرسی است و در این گفتمان، جلوه‌هایی از نقد اصلاحات از داخل ایران شده است. بنابراین از نظر آنان، همراه با اجرایی‌سازی طرح دموکراسی در ایران نشانه‌هایی از گسترش تعارض در نهادهای اجتماعی ایران مشاهده شده و انقلاب مخملی گفتمان مسلط خواهد شد (طالعی، ۱۳۸۹: ۵۹).

برنامه‌های تحقیقی این مؤسسه در سه بخش اقتصاد بین‌المللی و داخلی، سیاست دفاعی - خارجی و مطالعات سیاسی - اجتماعی متمرکز است و بخش انتشارات آن هر ساله در حدود ۲۰ کتاب منتشر می‌کند. جهت‌گیری سیاسی آن محافظه‌کاری است و تعداد محققین ثابت آن ۵۸ و محققین میهمان آن ۱۵ نفر هستند.

### مؤسسه برو کینگز

این مؤسسه قدیمی‌ترین مرکز تحقیقاتی سیاسی مستقر در واشینگتن است که سابقه شروع فعالیت آن به مؤسسه تحقیقات دولتی بر می‌گردد که در سال ۱۹۱۶ از سوی طرفداران کارایی بیشتر دولتی و اصلاح فرایند بودجه‌ریزی دولت فدرال تاسیس شده بود. در سال ۱۹۷۲ با ادغام مؤسسه تحقیقاتی دولتی با چند مؤسسه پژوهشی دیگر، مؤسسه بروکینگز تشکیل شد. برنامه تحقیقی این مؤسسه همزمان با شکوفایی تحقیقات علوم اجتماعی به تکامل و پیشرفت رسیده است. این مؤسسه با بودجه‌ای بین ۱۹ تا ۲۰ میلیون دلار و کمک‌هایی در حدود ۱۲۰ میلیون دلار یکی از با ثبات‌ترین مراکز تحقیقاتی ایالات متحده است. در حدود ۴۰ تا ۵۰ عضو ارشد در گروه‌های تحقیقی این مؤسسه فعالیت دارند که فعالیت آنان در سه بخش مطالعات اقتصادی، سیاست خارجی و دولتی خلاصه می‌شود. بخش دیگری نیز با

<sup>۱</sup> B. Luis

<sup>۲</sup> S. Brown Bak

عنوان مرکز آموزش سیاست عمومی در این مؤسسه وجود دارد که مسئولیت برگزاری همایش‌ها و سمینارهای مختلف را بر عهده دارد. در حوزه مطالعات سیاست خارجی، موضوعات مرتبط با بودجه‌های دفاعی، کنترل سلاح‌های هسته‌ای، نیروهای نظامی غیرهسته‌ای و موضوعات امنیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در حوزه آسیا خاورمیانه نیز پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است (رضاخواه و ثمودی، ۱۳۸۸: ۱۶۶).

### مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاورمیانه

مؤسسه واشینگتن از جمله مؤسساتی است که از طرف وزارت امور خارجه ایالات متحده جدی گرفته می‌شود. این مؤسسه در سال ۱۹۸۵ تاسیس گردید و به سرعت به مؤسسه‌ای تاثیرگذار که گزارش درباره تحولات خاورمیانه را در انحصار داشت تبدیل شد. مؤسسه واشینگتن از بدو تاسیس خود تا کنون رابطه نزدیکی با آپیک داشته و به ادعای رسانه‌های آمریکایی بخش اعظم بودجه آن توسط آپیک تامین می‌شود. این مؤسسه بیشتر تاثیرگذاری بر رسانه‌ها را مدنظر دارد به همین منظور هر هفته فهرست بلندی از سخنرانان میهمان، گزارش‌های تحلیلی، نشست‌های تخصصی برای رادیو و تلویزیون در رأس برنامه‌های آن دیده می‌شود. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۲ بیش از ۹۰ مقاله از اعضای مؤسسه واشینگتن در روزنامه‌ها چاپ شده است؛ ۱۴ مقاله در لوس آنجلس تایمز، نه مقاله در نیو ریپابلیک، هشت مقاله در وال استریت ژورنال، هفت مقاله در نشنال ریویو آنلاین، شش مقاله در دیلی تلگراف، سه مقاله در واشینگتن پست، چهار مقاله در بالتیمورسان و چهار مقاله در نیویورک تایمز. جالب اینکه تقریباً ۵۰ مقاله از این ۹۰ مقاله را مایکل روبین و درباره ایران نوشته است (Brian Whitaker, 2003).

مدیر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مؤسسه واشینگتن، رابرت ستلاف (معاون مؤسسه)، پاتریک کلاوسون (محقق ارشد آن)، مایکل آیزنستات و دیگر محققان مؤسسه واشینگتن به شکل منظم در رسانه‌های جمعی به خصوص رادیو و تلویزیون حضور می‌یابند و دیدگاه‌های خود را تبیین و تشریح می‌کنند. علاوه بر آن دیدگاه‌های مؤسسه واشینگتن علاوه بر این توسط دو مجله (U S News and World Republic) و (New Republic) نیز منتشر می‌گردد. سیاست مهار دوجانبه که در سال ۱۹۹۳ علیه ایران و عراق توسط دولت کلینتون به کار گرفته شد زائیده فکر مارتین ایندایک بود که در آن زمان به عنوان دستیار ویژه رئیس‌جمهور و مدیر ارشد امور خاورمیانه و جنوب آسیای شورای امنیت آمریکا خدمت می‌کرد (Martin Indyke, 1993).

## بنیاد هریتیج

این بنیاد در سال ۱۹۷۳ توسط عده‌ای از نمایندگان محافظه‌کار مجلس تاسیس شد و از آن زمان تا کنون پرچمدار جنبش روشنفکری محافظه‌کار بوده است. اگرچه منشاء و ریشه این بنیاد به جریان راست جدید بر می‌گردد اما نومحافظه‌کاران، آزادی‌خواهان کلاسیک و سنت‌گرایان محافظه‌کار در این بنیاد مشغول به انجام فعالیت می‌باشند.

این بنیاد دو بخش اصلی تحقیقاتی داشت، یکی بخش مطالعات سیاست‌های اقتصادی و داخلی و دیگری بخش مطالعات دفاعی و سیاست خارجی که در سال ۱۹۹۱ برنامه مطالعات سیاست فرهنگی نیز به‌عنوان یک بخش جدید به این مجموعه اضافه شد (رضاخواه و ثمودی، ۱۳۸۵: ۱۶۹).

این بنیاد بیشتر به مباحث اقتصادی، اجتماعی و امنیت داخلی می‌پردازد. دو تن از کارشناسان اصلی این بنیاد یعنی جیمز فلیپس و جان. سی. هولسمن در خصوص مسائل ایران فعالیت می‌کنند. رویکرد این بنیاد در قبال ایران مبتنی بر تقابل‌گرایی و تغییر رژیم است اما در این زمینه اولویت اصلی را به سرکوب برنامه هسته‌ای ایران می‌دهد. به‌عنوان مثال در ۲۳ مارس ۲۰۰۵ نامبردگان در مقاله‌ای در سایت این بنیاد تاکید نمودند که جبهه مشترک آمریکا و اروپا با نقش‌آفرینی آمریکا به‌عنوان پلیس بد و ارائه چماق و تهدید و اروپا به‌عنوان پلیس خوب و ارائه هویج و شیرینی خواهد توانست مانع از توفیق برنامه هسته‌ای ایران شود (عبداله‌خانی، ۱۳۸۵: ۱۹۷). جهت‌گیری فلسفی و سیاسی این بنیاد محافظه‌کاری و تعداد محققین ثابت، میهمان و وابسته آن به ترتیب ۴۵، ۵ و ۴۳ نفر می‌باشد (رضاخواه و ثمودی، ۱۳۸۸: ۸۲-۸۵).

## مؤسسه آمریکای نوین

در سوم ژوئن سال ۱۹۹۷ بیانیه‌ای توسط ویلیام کریستول و رابرت کیگان<sup>۱</sup> دو تن از سیاست‌گذاران نومحافظه‌کار آمریکایی صادر شد. این بیانیه که توسط پل ولفوویتز و در قالب یک تیم بیست و هفت نفره که متشکل از محافظه‌کاران جدید از قبیل دون گفنی فرانک<sup>۲</sup>، بروس جکسون<sup>۳</sup>، جان بولتون و تعدادی دیگر نوشته شده بود، طرح فکری با عنوان «پروژه قرن جدید آمریکایی» نام گرفت که در آن چارچوب سیاست آمریکا برای هزاره سوم معین شده و آمده است که اینک توجه می‌بایست از اروپا

<sup>۱</sup> R. Kigan

<sup>۲</sup> G. Frank

<sup>۳</sup> B. Jakson

معطوف به خاورمیانه، آسیا و آمریکای لاتین گردد و آمریکا می‌بایست سیاست خارجی خود را بر اساس کسب احترام و نه کسب دوستی دیگر کشورها قرار دهد، چرا که با توجه به تاریخ یکصد سال گذشته پر واضح است دوستی‌ها بسیار شکننده و فرصت‌طلبانه هستند (دهشیار، ۱۳۸۴: ۳۴).

در سایت رسمی این سازمان درباره هدف از تاسیس این بنیاد آمده است: «در بهار ۱۹۹۷ پروژه قرن جدید آمریکا بنیانگذاری شد. [این مؤسسه] برای سودآوری نیست [بلکه] سازمانی آموزشی است که هدف آن توسعه و ترویج رهبری جهانی آمریکاست» (www.newamericancentury.org).

اما مهم‌ترین اقدام این مؤسسه از بدو تاسیس خود تا به حال، انتشار نامه‌ای در روز ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۱ یعنی درست نه روز پس از یازده سپتامبر است. این مؤسسه در این نامه از بوش درخواست کرد تا برای ایران و سوریه ضرب‌الاجلی برای توقف حمایت آنها از حزب‌الله تعیین کند. در ابتدای این نامه که به امضاء کسانی چون کریستول، کیگان، پرل و گری اشمیت رسیده بود، آمده است:

«رئیس‌جمهور عزیز! ما [این نامه را] نوشتیم تا بر تعهد و التزام ستودنی شما برای هدایت و رهبری جهان تا پیروزی در جنگ علیه تروریسم صحه بگذاریم. ما تماما از ندای شما مبنی بر حمایت منظم و دامنه‌دار علیه سازمان‌های تروریستی و کسانی که از آنها حمایت کرده و یا پناه می‌دهند حمایت می‌کنیم ... به منظور انجام این نخستین جنگ در قرن ۲۱ ما بر این اعتقاد هستیم که گام‌هایی برای یک استراتژی کامل نیاز است. در ادامه این نامه با برشمردن کشورها، گروه‌ها و کسانی چون اسامه بن لادن توصیه‌هایی مبنی بر اقدامی قوی، محکم و نظامی علیه آنها آمده است». امضاءکنندگان اسامه بن لادن را هدف کلیدی و اصلی این ماجرا می‌دانند «اما نه به این منظور که تمامی اهداف در او جمع شده است» (همان).

سیاست این سازمان در قبال ایران مبتنی بر تغییر رژیم ایران از راه تقابل‌گرایی است. به‌عنوان مثال ویلیام کریستول در شماره ۲۳ ژانویه ۲۰۰۶ نشریه ویکلی استاندارد - که خود سردبیری آن را به عهده دارد - در سر مقاله‌ای با نام «و اینک ایران» استمرار پروژه حاکمیت ایالات متحده در قرن ۲۱ از طریق مقابله و تغییر رژیم جمهوری اسلام ایران را حتی از طریق نظامی پیشنهاد می‌نماید (عبداله‌خانی، ۱۳۸۵: ۲۰۰).

### مؤسسه صلح کارنگی

این مؤسسه در سال ۱۹۱۰ تاسیس شد، هدف والا و قابل قبول این مؤسسه تلاش در جهت توقف جنگ بود. هدفی که به باور بنیان‌گذاران آن قابل تحقق بود. اعضاء اولیه آن تحقیقاتی در مورد حقوق بین‌المللی و دلایل اقتصادی وقوع جنگ جهانی اول انجام دادند. اولین برنامه مهم این مؤسسه اجرای پروژه تحقیقاتی در مورد تاریخ اجتماعی و اقتصادی جنگ جهانی اول بود. این مؤسسه نیز همانند سایر

نهادهای تحقیقاتی تاسیس شده در اوایل قرن بیستم بنیادی عملگرا است. این مؤسسه از سال ۱۹۷۰ فصلنامه تخصصی خود را با عنوان «سیاست خارجی» منتشر می‌کند. نقش آمریکا در جهان نوین از مسائلی است که در کارگروه‌های متعددی با حضور مقامات پیشین و فعلی دولت مورد بررسی قرار می‌گیرد. پروژه‌های دیگری نیز در مورد مهاجرت، گسترش سلاح‌های هسته‌ای و کنترل تسلیحات در خاورمیانه از سوی این مؤسسه انجام شده است (رضاخواه و ثمودی، ۱۳۸۸: ۱۶۶). جهت‌گیری فلسفی و سیاسی این مؤسسه چپ‌گرا و تعداد محققین ثابت و میهمان آن به ترتیب ۴۸ و چهار نفر می‌باشد.

#### مؤسسه سیاست خارجی

این مؤسسه در سال ۱۹۸۰ تاسیس شد و به دانشکده مطالعات بین‌المللی پال نیتز<sup>۱</sup> دانشکده جان هاپکینز وابسته است. این مؤسسه با بهره‌گیری از هیأت علمی دانشکده و همچنین کارشناسان خارج از کشور توانسته است کارگروهی ده نفره و ثابت تشکیل دهد که حدود شش نفر از آنها محقق و کارشناس هستند. این افراد از کمک‌های پنج گروه تحقیقی پاره‌وقت نیز بهره‌مند هستند. در برنامه تحقیقی مؤسسه موضوعاتی از قبیل امنیت آسیا، سیاست انرژی، سیاست‌گذاری امنیتی در شوروی سابق و اروپای شرقی، مناسبات میان ایالات متحده آمریکا، ژاپن و جامعه اروپایی، رسانه‌ها و سیاست خارجی و مدیریت بحران‌ها مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد. محققان مؤسسه هر ساله بین سه تا پنج جلد کتاب منتشر می‌کنند. در مطالعات اخیر مؤسسه موضوعاتی همانند اصلاح امور دفاعی، مبارزه با تروریسم، تلویزیون و جنگ خلیج فارس و آینده مناسبات میان ژاپن و ایالات متحده مورد توجه و بررسی قرار گرفته است (همان: ۱۶۳).

#### ۴- افکار عمومی

علی‌رغم توجه دولت‌ها به افکار عمومی، تا قرن هجدهم این اصطلاح توسط پژوهشگران اجتماعی به کار نرفته بود. الکساندر همیلتون و جفرسون که از قدرت افکار عمومی به خوبی آگاه بودند تاکید می‌کردند که تمامی دولت‌ها متکی به افکار عمومی هستند. آبراهام لینکلن افکار عمومی را نیرومندتر از قانون‌گذاران می‌داند و معتقد است که افکار عمومی است که باعث می‌شود لوایح به تصویب برسند یا جلوی تصویب آن گرفته شود (وینست، ۱۳۸۲: ۳۳).



در مورد نقش افکار عمومی و آگاه کردن مردم از کم و کیف سیاست خارجی، میان صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود ندارد. برخی بر این اعتقاد هستند که چون توده مردم از اطلاعات و تخصص کافی در مسائل سیاست خارجی برخوردار نیستند و از آنجا که حتی در دموکراتیک‌ترین نظام‌ها نمی‌توان مردم را از تمامی جنبه‌های سیاست خارجی (به دلایل استراتژیک و امنیتی) مطلع کرد، بنابراین تنها می‌توان اطلاعاتی جزئی از سیاست خارجی در اختیار آنها گذاشت. در مقابل، برخی بر این اعتقاد هستند که همین اطلاعات ناقص مردم پیرامون مسائل سیاست خارجی سبب می‌شود که آنها در تنظیم و اجرای سیاست خارجی به صورت عامل بازدارنده وارد عمل شوند و مجریان و سیاست‌گذاران را با دشواری‌های بسیاری مواجه سازند. بر این اساس، مردم باید دست‌کم از کلیات آنچه به سرنوشت و زندگی آنها مربوط می‌شود مطلع شوند تا در صورت نیاز حاضر به تحمل سختی‌ها گردند (قوام، ۱۳۸۲: ۲۳۲).

در حوزه امور بین‌المللی، هم در زمینه گسترش پشتیبانی داخلی از سیاست خارجی و هم در زمینه تاثیرگذاری بر سیاست کشورهای دیگر، افکار عمومی یکی از عناصر مهم و اساسی می‌باشد. هیچ برنامه سیاست خارجی چه در کشورهای دموکراتیک و چه در کشورهایی که به شیوه توتالیتر اداره می‌شوند، بدون حمایت افکار عمومی موفق نخواهد شد. در ایالات متحده آمریکا نیز افکار عمومی تاثیر به‌سزایی در سیاست خارجی دارد و از جمله عوامل غیرحکومتی موثر در سیاست خارجی به‌شمار می‌آید. افکار عمومی آمریکا از جنگ جهانی اول، نظرات ویلسون در خصوص تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی را پذیرفت و تجلی آن در انتخابات ۱۹۲۱ با شکست ویلسون آشکار شد. فشار افکار عمومی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ در مخالفت با جنگ ویتنام دولت نیکسون را مجبور به فراخواندن نیروهای آمریکایی از ویتنام نمود (رضاخواه و ثمودی، ۱۳۸۸: ۵۱).

تظاهرات خشمگین مردم آمریکا در سال ۱۹۸۵ نسبت به سیاست نژادی آپارتاید آفریقای جنوبی که موجب شد آن کشور در سیاست آفریقای جنوبی خود معروف به «مناسبت سازنده» تجدیدنظر کند و خیلی جدیدتر این که بیشتر مردم عادی و حتی تعدادی از رهبران افکار عمومی، عادی‌سازی روابط با ویتنام را مورد حمایت قرار دادند، مدت‌ها قبل از این که دولت کلینتون به چنین امری اقدام کند (ویتکف، ۱۳۸۲: ۴۱۲-۴۱۳).

موارد فوق نمونه‌هایی از تاثیر افکار عمومی مردم آمریکا در سیاست خارجی آن کشور بوده است. با این حال و در عمل با توسعه و گسترش رسانه‌های گروهی و وسایل اطلاع‌رسانی و نقش روزافزون کنگره و رابطه مردم آمریکا با آن، افکار عمومی به‌عنوان یکی از معیارها و منابع غیررسمی مؤثر بر فرایند سیاست‌گذاری خارجی این کشور به حساب می‌آید، به گونه‌ای که کندی در حالی شوروی را در جریان بحران موشکی سال ۱۹۶۲ کوبا به جنگ تهدید کرد که پیش از آن، رسانه‌های خبری این کشور افکار عمومی مردم را برای این اقدام آماده کرده بودند. در کل می‌توان گفت برای تاثیرگذاری بر افکار عمومی مردم آمریکا رسانه‌های جمعی نقشی مهمی را ایفا کرده و در این راه از سه کارکرد ویژه استفاده می‌کنند: ۱- عرضه اطلاعات مربوط به موضوعات سیاسی از طریق پخش اخبار ۲- انتقال دامنه وسیعی از پیام‌های تبلیغاتی از مقامات حکومتی و سیاست‌مداران به توده‌های مردم ۳- بررسی موضوعات مهم سیاسی روز در تفسیرهای خبری (مرادی، ۱۳۸۸: ۶۱).

نهادهایی که برای آمریکاییان اطلاع سیاسی فراهم می‌آورند، فراوان و مجهز هستند. ۹۸ درصد تمامی خانواده‌های آمریکایی حداقل صاحب یک دستگاه تلویزیون هستند و آنها به طور میانگین روزی هفت ساعت آن را تماشا می‌کنند. روزانه بیش از هزار و پانصد روزنامه در ایالات متحده منتشر می‌شود که مجموع تیراژ روزانه آنها متجاوز از ۶۰ میلیون است. سه مجله خبری هفتگی نیز مدعی هستند که بیش از ۱۰ میلیون خواننده دارند پس این تشکیلات فوق‌العاده، توانایی تعیین این را دارد که چه چیزی خبر است و رفتارها را به‌عنوان اقدامات مهم تعریف و به این وسیله آنها را به رویدادها تبدیل کند (ویتکف، ۱۳۸۲: ۴۵۳).

### نتیجه

سیاست‌گذاری رابطه و روندی است که به دلیل ماهیت آن، امری حکومتی محسوب می‌شود و حکومت‌ها معمولاً آن را در انحصار خود دارند. با این حال سازمان‌ها و نهادهای غیرحکومتی نیز تاثیر بسیاری بر روند شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی دارند. به‌ویژه در کشورهای دموکراتیک که اصل مشارکت مردم در امور یک امر نهادینه و مورد قبول سیستم حکومتی است، دخالت نهادها و سازمان‌های غیرحکومتی در امر سیاست خارجی کاملاً آشکار است.

بررسی نقش و جایگاه نهادهای اثرگذار بر سیاست خارجی ایالات متحده، تحلیل میزان و نحوه اثرپذیری این نهادها را در روند تصمیم‌سازی واضح‌تر می‌کند. ایالات متحده به‌عنوان کشوری نیرومند و تاثیرگذار از زمان استقلال تا کنون همواره دارای سیاست خارجی فعال و گسترده‌ای در جهت برآورده ساختن

منافع خود و در برهه‌های بعدی علاوه بر منافع خود، تامین‌کننده منافع غرب نیز بوده است. بسیاری از نهادهای دولتی در تدوین و اجرای سیاست‌های خارجی این کشور نقش دارند این در حالی است که در برخی از موارد این مجموعه‌ها نظرات کاملاً متفاوت از یکدیگر دارند. نهادهای مختلفی در قوه مجریه در تدوین سیاست خارجی آمریکا تاثیرگذاری مستقیم دارند، علاوه بر آن کنگره نیز مسئولیت خاصی در سیاست خارجی این کشور بر عهده دارد ضمن این که در ایالات متحده گذشته از منابع رسمی موثر در سیاست خارجی، نهادهای غیررسمی بسیاری وجود دارند که با استفاده از ابزارهای نفوذ و پایگاه اجتماعی خود به گونه‌ای غیرمستقیم بر داده‌های سیاست خارجی اثر می‌گذارند. قدرت نفوذ و تاثیر برخی از آنها به حدی است که در اغلب اوقات بدون جلب و تامین نظر آنها، اتخاذ تصمیم در زمینه مسائل خارجی با بن‌بست جدی مواجه می‌شود، یکی از این گروه‌های نفوذ آید است که نقش مهمی در سیاست خارجی آمریکا خصوصاً در منطقه خاورمیانه و در حمایت از رژیم صهیونیستی دارد. به طور کلی می‌توان گفت که ساختار پلورالیستی ایالات متحده آمریکا به گونه‌ای است که در اتخاذ تصمیم‌های مربوط به سیاست خارجی، گروه‌ها، سازمان‌ها، اتحادیه‌ها و ده‌ها نهاد غیردولتی نقش اساسی دارند و شاید همین ویژگی است که آن کشور را از سایرین متمایز کرده و توانسته است چنین سیاست خارجی گسترده‌ای را طرح‌ریزی و اجرا نماید در حالی که در خیلی از کشورها نهادهای غیررسمی از جایگاه مستحکمی برخوردار نبوده و نقش زیادی در تدوین سیاست‌های کلی کشور ندارند.

به‌رغم آنکه نهادهای موثر در سیاست‌گذاری خارجی را جدا از یکدیگر مورد بحث و بررسی قرار دادیم، نباید فراموش کرد که در روند اتخاذ تصمیمات و اجرای آن باید نوعی هماهنگی و همسویی میان دستگاه‌ها و نهادهای مختلف تصمیم‌گیری به وجود آید که معمولاً انجام این مهم برعهده وزارت امور خارجه است زیرا در غیر این صورت، یعنی نبود ارتباط منطقی میان دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده و سیاست‌گذار، مسئله سلسله‌مراتب هدف‌ها و منافع ملی و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دچار اغتشاش می‌شود و بلا تکلیفی و سردرگمی در مدیریت روابط بین‌المللی آشکار می‌گردد.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

- ۱- امجد، محمد (۱۳۸۵)، سیاست و حکومت در ایالات متحده، چاپ دوم، تهران: نشر سمت.
- ۲- برایس، وینست (۱۳۸۲)، افکار عمومی، ترجمه علی رستمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- ۳- جی تری، جنیس (۱۳۸۸)، سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه، نقش لابی‌ها و گروه‌های ذی‌نفوذ، ترجمه قربانی و سیمبر، چاپ اول، تهران: نشر سمت.
- ۴- دهشیار، حسین (۱۳۸۴)، نومحافظه‌کاران و سیاست خارجی آمریکا، چاپ اول، تهران: نشر سرایی.
- ۵- دهشیار، حسین (۱۳۸۶)، سیاست خارجی استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا، تهران: قومس.
- ۶- رضاخواه، علیرضا و علیرضا ثمودی (۱۳۸۸)، اتاق‌های فکر و سیاست خارجی آمریکا، چاپ اول، تهران: نشر راه دان.
- ۷- روشه، گی (۱۳۸۰)، تغییرات اجتماعی، ترجمه دکتر منصور وثوقی، چاپ دوازدهم، تهران: نشر نی.
- ۸- سلیمی‌بنی، صادق (۱۳۸۱)، «منابع و نهادهای اثرگذار بر سیاست خارجی ایالات متحده»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، اردیبهشت.
- ۹- طالعی حور، رهبر (۱۳۸۹)، نرم‌افزارگرایی در سیاست خارجی آمریکا در قبال ج.ا.ا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- ۱۰- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۵)، رویکردها و طرح‌های آمریکا درباره ایران، چاپ اول، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
- ۱۱- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ نهم، تهران: نشر سمت.
- ۱۲- مرادی، حجت‌اله (۱۳۸۸)، «منابع شکل‌دهی افکار عمومی آمریکا»، فصلنامه افق، بهار.
- ۱۳- ویتکف، کگلی (۱۳۸۲)، سیاست خارجی آمریکا؛ الگو و روند، ترجمه اصغر دستمالچی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

### منابع غیرفارسی

- ۱- Bard, Mitchell, Israeli Lobby Power, Midstream, 1987, vol. 33, No. 1, January
- ۲- Brian Whitaker. «Who shapes U. S Foreign Policy toward the Middle East». Guardian, 11 May, 2003
- ۳- Martin Indyke. «The Clinton Administration`s Approach to The Middle EastL». Soref Symposium, Washington Institute, 18 may 1993.
- ۴- USA, 1999, P. 309 Politics Robert Mckeever, Prentice Hall.
- ۵- Vile. M. J, politic in the USA, Routh edge. PP. 141-144.

### منابع اینترنتی

- ۱- New York Times Magazine 2002/9/123
- ۲- Washington Post 2007/2/24
- ۳- www.msnbc.com, 2007/9/10
- ۴- www.newamericancentury. org/Bushletter. htm
- ۵- www.stage.gov/r/pa/biog/index/clm
- ۶- www.state.gov/r/pa/rls/dos/index. clm
- ۷- www.us\_israel.org/jsource/US-israel /roots of US. Israel. html
- ۸- www.us\_israel.org/jsource/US-israel/lobby/html